

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه الزهراء

دانشکده الهیات

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان

**بررسی راه حل های استاد مطهری در باره علم مطلق الهی و اختیار**

**انسان**

استاد راهنما

دکتر نرگس نظر نژاد

دانشجو

آسیه ولیپوری گودرزی

آبان ۱۳۹۱

دانشگاه الزهراء

دانشکده الهیات

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان

**بررسی راه حل های استاد مطهری در باره علم مطلق الهی و اختیار**

**انسان**

استاد راهنما

دکتر نرگس نظرنژاد

استاد مشاور

دکتر مهناز امیرخانی

دانشجو

آسیه ولیپوری گودرزی

آبان ۱۳۹۱

تقدیم:

تقدیم به آسمانی‌ترین مادر، یاس مدینه، ستاره نیلی دل‌های عاشقان، زهرای

مرضیه (س)

و تقدیم به:

او که راهنمای همیشگی زندگی‌ام بود؛ پدر عزیزم

و او که دستانش آرامش است و نگاهش مشوق راه؛ مادر مهربانم

و او که همراهی‌اش مایه آرامش و زمینه‌ساز شکوفائی است؛ همسر عزیزم

و او که گل خندان زندگی‌ام شد و با وجودش زیبایی‌ها را معنا کرد؛ زینب عزیزم

## تقدیر و تشکر

در پایان از اساتید گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه الزهرا که با سرمایه عمر خویش در راه اعتلای دانش و خرد گام بر می‌دارند، صمیمانه تشکر می‌کنم. به ویژه از زحمات دلسوزانه و بی‌دریغ استاد محترم سرکار خانم دکتر نظرنژاد که در تمامی مراحل پایان‌نامه از راهنمایی‌های ایشان بهره برده‌ام، از صمیم قلب تشکر و قدردانی می‌کنم.

هم‌چنین از سرکار خانم دکتر امیرخانی که مشاوره این پایان‌نامه را پذیرفتند، سپاسگزارم. تشکر کوچک‌ترین واژه برای ادای حق زحمات بی‌وقفه استاد است.

«امید که این نامه پایانی، آغاز همنشینی و همگام شدن با کاروان علم و فلسفه

گردد.»

## چکیده

آموزه های دینی از آغاز تا کنون با چالش ها و شبهات گوناگون مواجه بوده است، برخی از این شبهات، طبیعی و معلول جولان فکری آدمیان بوده و برخی معلول عناد مخالفان و غرض ورزان می باشد. از جمله شبهات در عقاید دینی شبهه ی «علم پیشین الهی و اختیار انسان» است که با توجه به علم مطلق خداوند که مقتضی آگاهی پیشین خدا از تمامی رفتار و گفتار آدمیان است جایی برای اختیار انسان باقی نخواهد ماند. در برخورد با این شبهه گروهی به «کسب» گرویده و گروهی به تفویض و گروهی راه سومی را برگزیده اند. استاد مطهری از معدود متفکرانی است که به دور از هرگونه افراط و تفریط به این مسئله پرداخته و جواب قابل قبولی به شبهه فوق داده است. ما در تحقیق حاضر کوشیده ایم تا با روشن سازی مفاهیم و مؤلفه های شبهه و بیان ارتباط بین آن ها به بررسی نظر استاد در این زمینه بپردازیم. استاد در تحلیل ارتباط علم پیشین الهی و اختیار آدمی به این که متعلق علم الهی نظام سببی مسببی است، اشاره می کند استاد اختیار را گاهی به علم، اراده، قدرت فاعل و گاهی به انجام دادن فعل بر طبق خواست فاعل بدون هیچ اجباری تفسیر کرده اند قضا و قدر الهی از نظر استاد چیزی جز سرچشمه گرفتن نظام سببی مسببی جهان از علم و اراده ی الهی نیست، به اعتقاد استاد افعال بشری سرنوشت غیر حتمی دارد؛ زیرا به انواع اختیارها بستگی دارد. به عقیده ایشان، علم پیشین الهی نه تنها با اختیار بشری ناسازگار نیست بلکه اعتقاد به علم پیشین الهی تقویت کننده اختیار بشر است.

**واژگان کلیدی:** استاد مطهری، علم مطلق الهی، اختیار، قضا و قدر

## فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول: سیر تاریخی بحث «علم و اختیار انسان»	۹
۱-۱- واژه شناسی اختیار	۱۰
۱-۲- واژه شناسی علم	۱۳
۱-۲-۱- نظریه ابن سینا در بیان حقیقت علم	۱۳
۲-۲-۱- نظریه شیخ اشراق در بیان حقیقت علم	۱۴
۳-۲-۱- نظریه ملاصدرا در بیان حقیقت علم	۱۴
۳-۱- علم الهی	۱۴
۱-۳-۱- ویژگی های علم الهی	۱۵
۲-۳-۱- علم پیشین الهی	۱۶
۱-۲-۳-۱- نظریه منصوب به معتزله	۱۶
۲-۲-۳-۱- نظریه ابن سینا و پیروانش	۱۶
۳-۲-۳-۱- نظریه شیخ اشراق و پیروانش	۱۷
۴-۲-۳-۱- نظریه ملا صدرا و پیروانش	۱۷
۴-۱- ارتباط میان علم پیشین الهی و اختیار انسان	۱۸
۱-۴-۱- ناسازگار گروهی علم پیشین الهی و اختیار انسان	۱۸
۲-۴-۱- سازگار گروهی و راه حل های رفع ناسازگاری	۲۲
۱-۲-۴-۱- راه حل اول: انکار علم پیشین الهی	۲۳

- ۲۳ ..... ۱-۱-۲-۴-۱- انکار مطلق علم ازلی خداوند
- ۲۳ ..... ۲-۱-۲-۴-۱- انکار علم پیشین الهی به افعال اختیاری انسان
- ۲۴ ..... ۲-۲-۴-۱- راه حل دوم: لزوم موجبیت در افعال خدا
- ۲۵ ..... ۳-۲-۴-۱- راه حل سوم: تابعیت علم از معلوم
- ۲۹ ..... ۴-۲-۴-۱- راه حل چهارم: متعلق علم ازلی، افعال اختیاری
- ۳۴ ..... فصل دوم: علم الهی از منظر استاد مطهری**
- ۳۵ ..... ۱-۲- تعریف علم الهی نزد استاد مطهری
- ۳۷ ..... ۲-۲- تقسیمات علم
- ۳۷ ..... ۱-۲-۲- علم فعلی، علم انفعالی
- ۳۸ ..... ۲-۲-۲- علم حصولی، علم حضوری
- ۴۲ ..... ۳-۲- انواع علم الهی
- ۴۲ ..... ۱-۳-۲- علم واجب تعالی به ذاتش
- ۴۴ ..... ۲-۳-۲- علم واجب تعالی به ماسوا
- ۴۵ ..... ۱-۲-۳-۲- علم پسین الهی
- ۴۷ ..... ۲-۲-۳-۲- علم پیشین الهی
- ۵۴ ..... ۴-۲- متعلق و دامنه علم الهی
- ۵۶ ..... فصل سوم: اختیار از منظر استاد مطهری**
- ۵۷ ..... ۱-۳- تحلیل مفهوم «اختیار» نزد استاد مطهری
- ۵۹ ..... ۱-۱-۳- تحلیل استاد از اختیار موافق دیدگاه مشهور حکما
- ۶۲ ..... ۲-۱-۳- تفاوت اراده و اختیار
- ۶۴ ..... ۲-۳- مقدمات افعال اختیاری نزد استاد مطهری

- ۶۵ ..... ۱-۲-۳- مقدمات افعال اختیاری، اختیاری است یا اجباری
- ۶۷ ..... ۳-۳- رابطه اختیار با اصل علیت عمومی
- ۶۹ ..... ۱-۳-۳- نفی ضرورت علی و معلولی منافی با اختیار
- ۶۹ ..... ۲-۳-۳- ضرورت علی و معلولی مؤید اختیار
- ۷۱ ..... ۴-۳- جایگاه اختیار انسان در میان افعال
- ۷۲ ..... ۱-۴-۳- تفکیک کاربردهای واژه اختیار
- ۷۲ ..... ۲-۴-۳- ذو مراتب بودن اختیار
- ۷۵ ..... **فصل چهارم: قضا و قدر الهی از منظر استاد مطهری**
- ۷۶ ..... ۱-۴- رابطه قضا و قدر با موضوع مورد بحث (ارتباط علم پیشین الهی و اختیار انسان)
- ۷۷ ..... ۲-۴- اهمیت مسئله نزد استاد مطهری
- ۷۹ ..... ۳-۴- تحلیل مفهومی قضا و قدر
- ۷۹ ..... ۱-۳-۴- تعریف لفظی قضا و قدر
- ۸۰ ..... ۱-۱-۳-۴- معنای قضا و قدر در قرآن
- ۸۰ ..... ۲-۱-۳-۴- معنای قضا و قدر در کلام
- ۸۱ ..... ۳-۱-۳-۴- معنای قضا و قدر در فلسفه
- ۸۱ ..... ۱-۳-۱-۳-۴- قضای اجمالی
- ۸۲ ..... ۲-۳-۱-۳-۴- قضای تفصیلی
- ۸۲ ..... ۳-۳-۱-۳-۴- قدر علمی
- ۸۲ ..... ۴-۳-۱-۳-۴- قدر عینی
- ۸۳ ..... ۲-۳-۴- تحلیل مفهومی قضا و قدر
- ۸۴ ..... ۱-۲-۳-۴- قضا و قدر علمی

۸۴	..... ۴-۳-۲- قضا و قدر عینی
۸۵	..... ۴-۴- تحلیل و بررسی دیدگاه استاد در تحلیل قضا و قدر الهی
۸۶	..... ۴-۵- تبیین سه گانه حوادث جهان
۸۸	..... ۴-۶- دفع نظریه معتزله و قائلین به اراده آزاد
۹۰	..... ۴-۷- «سازگاری یا ناسازگاری قضا و قدر الهی با اختیار انسان» نزد استاد مطهری
۹۶	..... ۴-۸- تحلیل و بررسی دیدگاه استاد در مسئله «ارتباط قضا و قدر الهی با اختیار انسان»
۹۷	..... ۴-۹- تأثیر اعتقاد به قضا و قدر الهی در زندگی بشر
۱۰۰	..... <b>فصل پنجم: علم پیشین الهی و اختیار انسان از منظر استاد مطهری</b>
	..... ۵-۱- ویژگی‌های روش و رهیافت استاد در مسائل «ارتباط قضا و قدر الهی به معنای مطلق -
۱۰۳	..... علم سابق ازلی - با اختیار بشری»
۱۰۳	..... ۵-۱-۱- استاد مطهری و بیان مسئله تحقیق
۱۰۵	..... ۵-۱-۲- مواجهه فعال
۱۰۵	..... ۵-۱-۳- پرهیز از حصرگرایی
۱۰۶	..... ۵-۲- «سازگاری یا ناسازگاری علم پیشین الهی با اختیار انسان» نزد استاد مطهری
۱۱۰	..... ۵-۳- تحلیل و بررسی دیدگاه استاد در مسئله «ارتباط علم پیشین الهی با اختیار انسان»
۱۱۲	..... ۵-۳-۱- فاعل مضطر و مختار
۱۱۴	..... ۵-۳-۲- فرق ضرورت فعل با جبر
۱۱۴	..... ۵-۳-۳- نظام اسباب و مسببات
۱۱۵	..... نتایج و پیشنهادات
۱۱۷	..... منابع و مآخذ

## مقدمه

مسأله جبر و اختیار از کهن ترین مسائلی است که ذهن و فکر بشر را به خود مشغول ساخته است. این مسأله از ابتدای تاریخ تفکر بشری، همواره همراه و همزاد بشر بوده و متفکران شرق و غرب از دیرباز به این مسأله پرداخته اند. البته این مسأله هیچ گاه به حوزه مسائل فلسفی و محافل خاص علمی محدود نگشته و به نوعی ذهن همگان را درگیر کرده است. جبر و اختیار یکی از رازهای ناگشوده بشری است و به سبب ارتباط با نیاز وجودی انسان به اختیار، معضله ای مرکب و پیچیده است و این پیچیدگی به علت ابعاد گوناگون آن می باشد؛ بنابراین از جنبه ها و منظرهای مختلف می توان به آن توجه کرد. دانشمندان در شاخه های گوناگون مثل فلسفه، کلام، اخلاق، فقه، حقوق، روانشناسی، علوم اجتماعی و ... هر یک از منطری با این مسأله روبرو شده و آن را مورد توجه و بررسی قرار داده اند، و هر کدام با توجه به اصول و اعتقادات و روشهای خود، نظراتی ارائه داده اند که این نظرات مختلف و متعدد به همراه سابقه طولانی اش نشانگر عظمت و اهمیت این بحث بوده و هم چنین بیانگر این امر است که تبیین صحیح این مسأله برای همه انسان ها در طول تاریخ مهم و اساسی بوده است. بنابراین این مسأله، مسأله ای چند تباری است و ریشه در علوم مختلف دارد. این مسأله در گستره تفکرات دینی به ویژه کلام، با اهمیت بیشتری مطرح می گردد؛ زیرا از جهتی با تعریف جهان بینی از انسان که آیا مختار است یا خیر، و از جهت دیگر با برخی نظریات کلامی از جمله علم پیشین الهی و قضا و قدر الهی ارتباط دارد. در اندیشه دینی خدا عالم مطلق است و خداوند ذاتی است آگاه به همه امور که نه تنها به امور گذشته و حال، بلکه بر تمام حوادثی که در آینده رخ می دهند، واقف است؛ به گونه ای که خداوند پیش از آفرینش جهان و انسان از ازل به همه اوضاع، حوادث، رفتار و گفتار آدمیان آگاهی داشته است. در نتیجه خدا از پیش، تمام افعالی را که آدمیان در آینده انجام خواهند داد، می داند. حال، این سؤال اساسی پیش می آید که آیا با اعتقاد به علم مطلق خداوند، جایی برای اعتقاد به اختیار انسان باقی خواهد ماند؟ و آیا علم خداوند با اختیار انسان سازگار است؟

پاسخ پرسش پیشین از مسائل مهم و پیچیده فلسفه و دین پژوهی است که پیشینه آن به فیلسوفان روم باستان می‌رسد. در پاسخ به این پرسش اساسی، گروهی چنین پنداشته‌اند که اگر خداوند از پیش بداند که شخص خاصی عمل معینی را در آینده انجام خواهد داد، انجام آن عمل ضرورت می‌یابد و خودداری از آن ناممکن می‌گردد و این معنایی جز مجبور بودن آن شخص، در انجام آن عمل نخواهد داشت. بدین ترتیب، اعتقاد به علم پیشین الهی، از دوران‌های کهن، یکی از مبانی جبرگرایی بوده است. به اعتقاد جبرگرایان اگر با فرض علم مطلق الهی، انسان مختار باشد، باید بتواند برخلاف آنچه که از پیش در علم خداوند متعین شده عمل کند، و این چیزی جز پذیرش امکان تبدیل علم خداوند به جهل نخواهد بود؛ از این رو، اگر قرار است که عدم تحقق متعلق علم الهی ممتنع باشد، انسان باید دقیقاً آنچه را که خداوند از پیش به آن علم دارد و آن را مقدر کرده است، انجام دهد و مجالی برای انتخاب نخواهد داشت؛ این معنایی جز جبر ندارد.

در مقابل گروه دیگری معتقدند که اعتقاد به علم مطلق الهی هیچ‌گونه منافاتی با اختیار انسان ندارد و این دو با یکدیگر سازگارند. آنان در برخورد با این استدلال جبرگرایانه از دو راهبرد اساسی استفاده می‌کنند؛ گروهی بر این عقیده‌اند که در صورت حفظ معانی رایج «علم مطلق» و «اختیار»، علم مطلق و پیشین الهی با اختیار انسان، ناسازگارند؛ از این رو تغییری در تفسیر رایج یکی از طرفین ناسازگاری داده‌اند تا از این طریق ناسازگاری این دو را برطرف سازند. گروه دیگری تلاش می‌کنند که با حفظ معانی عمومی و رایج علم مطلق و اختیار، سازگاری این دو را با یکدیگر ثابت کنند.

حال اگر نیم‌نگاهی به میراث گذشته آدمیان بیافکنیم، می‌بینیم که تلاش هر یک از این گرایش‌ها این است که با رد ادله مخالفان و ارائه دلایلی معقول، دیدگاه مختار خویش را به مسند اثبات نشانده و آن را استحکام بخشند. هدف از نوشتار حاضر بررسی دیدگاه استاد مطهری در مسأله سازگاری یا ناسازگاری علم پیشین الهی با اختیار انسان به عنوان بخشی از مسأله جبر و اختیار است تا رهیافت و ره آورد ایشان را در حل این مسأله به دست آوریم.

**ضرورت تحقیق**

مهمترین گام در دین پژوهی، شناخت خداوند است. معرفی صحیح در حوزه خدا شناسی، کلید فهم همه مباحث دینی است. بدیهی است اگر انسان به لحاظ اعتقادی فهم دینی صحیح نداشته باشد، در حوزه عمل و رفتار نیز چندان توفیق نخواهد داشت. یکی از مباحث مهم در خداشناسی این است که علم الهی چه ارتباطی با اختیار آدمیان دارد؛ تنقیح درست بحث و پاسخ به شبهاتی که در این زمینه مطرح شده است، به لحاظ ارتباط کل و جزء علاوه بر سامان دادن نظام عقیدتی، مسیر زندگی دینی را برای هر انسانی مشخص می سازد و وی را از وادی خطرناک جبرگرایی بیرون آورده و بر اراده و عزمش قوت می بخشد و از او انسانی مسئولیت پذیر می سازد و با حل این مسأله، کاستی ها و نقایص رفتار خود را به عهده خداوند نمی گذارد. پردازش این موضوع علاوه بر مزایای مثبت پیش گفته به موجه سازی باورهای دینی کمک زیادی می کند و نقش مستقیم یا غیر مستقیم در حوزه رفتار آدمی دارد، چرا که اصولاً نوع رفتار آدمی از نوع اندیشه او شکل می گیرد.

استاد مطهری نمونه عالی یک متکلم مسلمان است که همواره شأن واسطه ای خویش را بین خدا و مخاطبانش حفظ کرده است. ایشان از طرفی با مضامین اسلامی، قرآن و روایات عمیقاً آشناست و از طرف دیگر برای شبهات جدید و مسائل مخاطب امروزی اهمیت فراوانی قائل است. ایشان علاوه بر اینکه از سنت‌گریزی‌های جاهلانه و تفکرات تفریطی و روشنفکر مآبانه به دور است، گرفتار سنت زدگی و تفکرات افراطی که هر گونه مسأله جدید را انحراف و بدعت می شمارند نیز نمی باشند. بنابراین بیش از هر کس می توان به استاد اعتماد کرد و پاسخ سوالها را از ایشان جویا شد. استاد مطهری در فضای تفکر دینی افراطی و تفریطی امروز، حد وسط است و همواره انصاف ایشان، دیدگاه ژرف نگر، جامع بین، روشمند و هوشمندی ایشان در تمامی آثارشان ستودنی است. بدون تردید، حاصل تحقیق برای مخاطبانی که به دنبال دینی کردن عصر حاضر و پاسخی برای مسأله فوق می باشند، مفید خواهد بود.

### پیشینه بحث

بحث جبر و اختیار از جمله مباحثی است که می توان عمر آن را به درازای عمر تاریخ بشریت دانست چرا که هر انسانی با اندک توجهی، این پرسش اساسی را در ذهن خود می یابد که آیا

انسان موجودی مختار است؟ یا اینکه بر خلاف ظاهر، دستی غیبی او را در میان حوادث و جریانات به سوی مقصدی از پیش تعیین شده می کشاند.

تاریخ مدون این بحث در عرصه تفکر از کنکاش های ارسطو شکل گرفته و در حوزه اسلامی نیز از نیمه نخست قرن اول هجری آغاز شده است شبهه عدم سازگاری علم پیشین خدا با اختیار انسان نیز در تاریخ فلسفه و کلام سابقه ای دیرینه دارد. این شبهه در بحث خدا شناسی و انسان شناسی از گذشته و امروز مورد بحث و گفتگوی عالمان مسلمان و غیر مسلمان بوده و هست. در جهان اسلام فخر رازی در کتاب *الاربعین* و مبحث خلق افعال از کتاب *المطالب العالیه* شبهه علم پیشین الهی و اختیار انسان را به پنج صورت تقریر کرده و آن گاه برخی پاسخ هارا وارسیده است. خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب *تجربید الاعتقاد، تلخیص المحصل و رساله افعال العباد* پس از طرح شبهه، پاسخ فخر رازی (تابعیت علم از معلوم) را پسندیده و به توضیح آن پرداخته است. بعد از خواجه، علامه حلی در *کشف المراد*، سید شریف جرجانی در *شرح موافق*، و قوشچی در *شرح تجرید*، به توضیح و نقد و بررسی پاسخ خواجه اهتمام ورزیده اند. قاضی عضد الدین ایجی در *موافق*، تفتازانی در *شرح مقاصد*، شهید اول در کتاب *القواعد والفوائد* در بحث ((صله ارحام)) به شبهه اشاره و پاسخ داده اند. میر داماد در کتاب *القبسات و صدرالمتألهین در اسفار* پس از نقد و بررسی پاسخ خواجه نصیرالدین طوسی، به پاسخ شبهه از دیدگاه خود پرداخته اند. پس از صدرالمتألهین، پیروان حکمت متعالیه نظیر حکیم سبزواری در *شرح منظومه*، امام خمینی در کتاب *طلب و اراده* و علامه طباطبایی در *پاورقی اسفار و نهایت الحکمه* به این بحث پرداخته اند.

در روزگار ما نیز شبهه عدم سازگاری علم پیشین الهی با اختیار انسان موضوع تحقیقات بی شماری است به عنوان مثال دکتر سعیدی مهر اثری با عنوان *علم پیشین الهی و اختیار انسان* تألیف کرده است. در ارتباط با آراء استاد مطهری نیز تحقیقات فراوانی صورت گرفته است، ولی مسائل این رساله و این عنوان (علم پیشین الهی و اختیار انسان نزد استاد مطهری) با این روی آورد برای نخستین بار مورد مطالعه نظام مند قرار گرفته است.

## روش تحقیق

اثر بخشی تحقیق، متوقف بر مسأله محور بودن آن است. تحقیق حاضر از ابتدا عبارت (حسن السؤال نصف العلم) را سرلوحه خویش قرار داده است. روش تحقیق در این رساله، روشی تحلیلی است. در این رساله قبل از هر چیز، مسأله تحقیق به دقت تحلیل شده است تا صورت واضح و متمایز از مسائل آن ارائه گردد. پس از مشخص شدن مسأله تحقیق، نوبت جمع آوری اطلاعات است. اطلاعات مواد اولیه تحقیق است، تجزیه و تحلیل بدون اطلاعات شایسته، کافی، کامل و دقیق بی توفیق است. تحقیق حاضر بررسی دیدگاه استاد مطهری در مسأله علم پیشین الهی با اختیار انسان است. بنابراین اطلاعات تحقیق از آثار استاد جمع آوری شده است. استاد مطهری از متفکرین پرکار و پر اثر است، ایشان در مواضع مختلف سخنان گوناگونی دارد در این روش تمامی سخنان مرتبط ایشان با مسائل تحقیق گردآوری شده و با تطبیق، مقایسه و تحلیل آن ها سعی در کشف رهیافت و ره آورد استاد در زمینه مسائل تحقیق می گردد.

### پرسش اصلی تحقیق

استاد مطهری چگونه از سازگاری علم مطلق الهی و اختیار انسان دفاع می کند؟

### پرسش های فرعی

۱. تحلیل استاد مطهری از علم مطلق الهی چگونه است؟
۲. اختیار انسان در نظام فکری استاد مطهری چه جایگاهی دارد؟
۳. نقاط قوت راه حل های استاد مطهری در ناسازگاری ادعایی بین علم مطلق الهی و اختیار انسان کدامند؟

### فرضیات پژوهش:

۱. به نظر استاد مطهری معنای اطلاق علم الهی بدین معنی است که گذشته، حال و آینده از حیث تعلق علم الهی یکسانند و خداوند هم علم پیشین دارد و هم علم پسین.
۲. با توجه به نظام فکری استاد مطهری، ایشان برخلاف اشاعره قائل به اختیار انسان است و در عین حال این اختیار را مانند معتزله از سنخ وانهادگی نمی داند.

۳. به نظر استاد مطهری آنچه علم الهی اقتضا می کند، صدور فعل فاعل مختار از فاعل مختار است نه این که علم الهی ایجاب کند که فاعل مختار، مجبور شود .

### معرفی فصول

این نوشتار مشتمل بر یک مقدمه، پنج فصل و نتیجه گیری می باشد. در مقدمه موضوع مورد بحث تبیین شده و ضمناً به اهمیت موضوع، انگیزه انتخاب موضوع، پیشینه و روش تحقیق اشاره گردیده است.

فصل اول به سیر تاریخی بحث «علم و اختیار انسان» پرداخته است در این فصل بعد از مفهوم شناسی واژه های علم و اختیار، نظریه های سه مکتب مشاء، اشراق و حکمت متعالیه در بیان حقیقت علم آورده شده است. سپس به علم الهی و ویژگی های آن اشاره شده و بعد از تعریف علم پیشین الهی نظریه های مکاتب سه گانه و همچنین نظر معتزله، درباره کیفیت علم پیشین بررسی شده است و بعد از اشاره به دلایل کسانی که قائل به ناسازگاری علم پیشین الهی و اختیار انسان هستند راه حل های رفع ناسازگاری بررسی و استوارترین نظریه، متعلق به میرداماد و ملاصدرا (افعال اختیاری، متعلق علم ازلی)، بیان شده است.

فصل دوم به بررسی علم الهی نزد استاد مطهری پرداخته است که پس از تعریف علم الهی از منظر استاد، به تقسیمات علم به فعلی، انفعالی و حصولی، حضوری اشاره شده است و سپس به انواع علم الهی اشاره شده و هر یک از علم به ذات، علم به ماسوا که مشتمل بر علم پیشین و علم پسین است به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته اند و پس از اثبات علم پیشین الهی، متعلق و دامنه علم الهی از منظر استاد بیان شده است.

فصل سوم به بررسی اختیار نزد استاد پرداخته است که پس از تحلیل مفهوم اختیار از منظر استاد، موافق بودن نظر ایشان با دیدگاه مشهور حکما بیان شده است. و برای دور بودن از خلط اراده و اختیار به بیان تفاوت این دو اشاره شده است. سپس به بررسی مقدمات افعال اختیاری و این که این مقدمات اختیاری اند یا اجباری، پرداخته ایم. بیان رابطه اختیار و اصل علیت عمومی در اثبات اختیار مفید است به همین خاطر پس از بیان رابطه به ضرورت علی و معلولی و این که

نفی آن منافی اختیار و تائید آن مؤید اختیار است اشاره شده است. سپس به جایگاه اختیار در افعال انسان و تفکیک کاربردهای اختیار و این که اختیار دارای مراتب گوناگون است اشاره شده است.

فصل چهارم به بررسی قضا و قدر الهی از منظر استاد مطهری پرداخته است که ابتدا به ارتباط این بحث با مسأله «علم پیشین الهی و اختیار انسان» اشاره شده سپس به اهمیت قضا و قدر نزد استاد مطهری اشاره و در ذیل عنوان تحلیل مفهومی قضا و قدر، ابتدا تعریف لفظی قضا و قدر بیان شده و به معنای این لفظ در قرآن، کلام و فلسفه اشاره شده است. سپس به تحلیل مفهومی قضا و قدر پرداخته و دو قسم قضا و قدر را که عینی و علمی است بیان کرده ایم پس از بیان دیدگاه استاد در باره تحلیل قضا و قدر الهی به تحلیل و بررسی دیدگاه استاد پرداخته ایم و پس از بیان نظر استاد در سازگاری یا ناسازگاری قضا و قدر الهی با اختیار انسان، نظر استاد درباره تقسیم سه گانه حوادث جهان و دفع نظریه اراده آزاد بیان شده است سپس به بررسی دیدگاه استاد در زمینه سازگاری قضا و قدر الهی با اختیار انسان پرداخته ایم و در پایان تاثیر اعتقاد به قضا و قدر را در زندگی بشر بیان کرده ایم.

فصل پنجم درباره علم پیشین الهی و اختیار انسان از منظر استاد مطهری است که ابتدا شبیه مورد بحث به طور مفصل تبیین شده و سپس ویژگی‌های روش استاد در مواجهه با این مسأله بیان شده و گزارشی از نظرات استاد درباره سازگاری یا ناسازگاری علم پیشین الهی و اختیار انسان بیان شده است و نظر ایشان در این باب به طور مفصل مورد بررسی قرار گرفته است سپس به منظور توضیح بیشتر نظر استاد تفاوت فاعل مضطر و مختار و ضرورت فعل با جبر بیان شده است و در پایان اشاره ای به نظام اسباب و مسببات شده است. در پایان نیز بخشی به نتایج و پیشنهادات اختصاص داده شده است.



## فصل اول: سیر تاریخی بحث «علم و اختیار انسان»

هدف فصل حاضر، بررسی مسأله سازگاری یا ناسازگاری علم پیشین الهی با اختیار انسان، به عنوان بخشی از مسأله «جبر و اختیار» است. که ابتدا بحث را با بررسی مفهومی اختیار و علم آغاز کرده، سپس به ارائه دورنمایی کلی از بحث، آن چنان که در میان فیلسوفان و متکلمان اسلامی مطرح است، خواهیم پرداخت و به نظرات برخی از فیلسوفان و متکلمان اسلامی به عنوان نمونه در ذیل دو طیف سازگار گروی علم مطلق الهی با اختیار انسان و ناسازگارگروی<sup>۱</sup> این دو، اشاره خواهد شد.

### ۱-۱- واژه شناسی اختیار

اختیار در لغت به مفهوم طلب چیزی است که خیر باشد،<sup>۲</sup> و به معنای گزینش، انتخاب، برگزیدن، قدرت بر انجام دادن کار با اراده خویش، در مقابل اجبار و اضطرار است.<sup>۳</sup>

اختیار در اصطلاح یعنی تصمیم‌گیری پس از سنجش و گزینش به این بیان که هر جا انسان در انجام کاری راه‌های متعددی پیش رو داشته باشد و آن‌ها را بررسی کرده و بسنجد و سپس یکی را برگزیند و در پی آن، تصمیم بر انجامش بگیرد، گفته می‌شود آن کار از روی اختیار انجام گرفته است. اما اگر کاری بدون سنجش، گزینش و تصمیم‌گیری صورت گیرد، می‌گویند اختیاری نبوده است؛ مانند لرزش دست کسی که دچار رعشه است و دستش بدون آن که خود تصمیم به حرکت دادنش داشته باشد، حرکت می‌کند.<sup>۱</sup>

شاید قدیمی‌ترین و معروف‌ترین تعریف و ملاک فعل آزاد، استقلال فاعل و عدم سلطه و اجبار عامل بیرونی باشد؛ به طوری که شخص فاعل بدون اجبار و اکراه خارجی و آزادانه و با اراده خود، فعلی را انجام دهد یا ترک کند.

---

<sup>۱</sup> - به منظور رعایت اختصار، در طرح بحث از عنوان سازگاری یا ناسازگاری به جای سازگاری علم مطلق الهی با اختیار انسان یا ناسازگاری علم مطلق الهی با اختیار انسان استفاده خواهد شد.

<sup>۲</sup> - راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات، چاپ دوم، طلیعه نور، قم، ۱۴۲۷ ق، ص ۱۶۸

<sup>۳</sup> - دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، چاپ اول، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۵۰۱

<sup>۱</sup> - مصباح یزدی، محمدتقی، معارف قرآن، چاپ اول، انتشارات راه حق، قم، ۱۳۶۵، ص ۳۷۵